بسم الله الرحمن الرحیم

مطلبی خلاصه و مهم در مورد تکفیر

بحث مهمی که برای خیلی از مردم دین دوست مهم است و سال ها برایشان سوال بوده است.

امیدوارم این مقاله سرنخی برای مطالعه دوباره در این زمینه باشد.

خیلی وقت‌ها شنیده‌اید یا مطالعه کرده‌اید که "فلان فعل و قول، کفر و شرک است اما کافر و مشرک نشده" این حرف کاملا غلط و نادرستی است.

می گویند "تکفیر مطلق و معین" و "شروط و موانع تکفیر" را باید رعایت کنیم بصورت کل کافر می شوند اما با تعیین نه شاید عذر داشته باشد باید اتمام حجه کنیم

چون فکر می‌کنند اتمام حجه برای مشرک نامیدنش است هنوز نمی‌دانند اتمام حجه برای نام گرفتن مشرک نیست برای حکم قتل و عذابش است.بنا به آیه ۱۵ سوره اسراء.و در مسائل خفی و استثنایی است، که اشاره می کنیم.

و نشانه این است که طرف در این مورد مطالعه و تحقیق نداشته‌اند.هنوز مسائل اسماء و احکام را یاد نگرفته اند.

و به جزء کتاب "تصحیح افکار و تلقیح افهام در مسائل تکفیر و عذر به جهل" م بهروز عزیزی، چیزی نخوانده‌اند خصوصا به اصل کتاب‌های عربی در این مورد مراجعه نکرده‌اند و فقط به این کتاب اکتفا کرده‌اند بدون اینکه بدانند نقل قول‌ها درست

هستند یا نه مثل نقل قول از محمد ابن عبدالوهاب در این کتاب در مسئله تکفیر معین و..که در ادامه اصل قول را می‌آورم.

می گویند " من وقع فی الشرک لیس بمشرک" هر کسی در شرک افتاد مشرک نیست.

و این زمانی حرف درستی است که منظور این باشد که در شرک اصغر افتاد یا در شرک خفی افتاد یا از موارد استثنایی باشد.در این صورت است که مشرک معذب نیست.

آنچه بعد از سال‌ها مطالعه و تحقیق در این مسئله به آن رسیده‌ام و دلم بر آن قانع است این است که

هر کسی که شرک و کفر انجام دهد اسمش مشرک و کافر است

(فقط در اکراه و موارد استثناءی در عذر به جهل هست که در نوعِ مشرک شدنشان(معذب-غیر معذب)فرق دارند ۱-مثل کسی که تازه مسلمان شده ۲-یا کسی که در بادیه بدون علم زندگی کرده ۳-یا مسئله جزو مسائل خفی باشد، و این هم به نسبت مسئله است نه شخص.

که در این صورت اسمش مشرک وکافر-غیر معذب- است تا آگاه می‌شود بعد اگر بر شرک و کفر ماند و اصرار کرد مشرک-معذب-می‌شود یعنی اتمام حجه برای این موارد استثنایی است تا موانع و عذرشان نماند و کل احادیثی که در مورد عذر می آورند همه مربوط به مسائل استثنایی هستند مثل حدیث عائشه و معاذ و...که در کتابی مثل عارض الجهل به خوبی همه را آورده)

برای این موارد است که می گوییم کافر نشده یعنی کافر معذب نشده

ولی یادمان باشد برای این موارد کلمه کافر بکار نرود بهتر است تا سوء فهم پیش نیاید و با کافر معذب و مقتول قاطی نشود و هم اینکه علما کلمه کافر را فقط برای همین کافری بکار برده‌اند که حکمش قتل و عذاب است.

درست نیست چون عذر دارد با وجود انجام دادن کفر و شرک بزرگ و اکبر معلوم من الدین بضروره باز هم اسمش موحد و مومن باشد چون هرگز ایمان و کفر خارج کننده از دایره اسلام با هم جمع نمی‌شوند و این عقیده تمام سلف صالح است.

عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم "لا يجتمع الإيمان والكفر في قلب امرئ" سلسلة الأحاديث الصحيحة ١٠٥٠– قلت: وهذا إسناد صحيح، رجاله كلهم ثقات.

حدیث ابی هریره از رسول الله صلی الله علیه وسلم امده و فرموده:در قلب شخصی ایمان و کفر جمع نمی شود.

وشیخ اسلام فرموده:

"وَقَدْ يَكُونُ مُسْلِمًا وَفِيهِ كُفْرٌ ، دُونَ الْكُفْرِ الَّذِي يَنْقُلُ عَنْ الْإِسْلَامِ بِالْكُلِّيَّةِ كَمَا قَالَ الصَّحَابَةُ: ابْنُ عَبَّاسٍ وَغَيْرُهُ: كُفْرٌ دُونَ كُفْرٍ. وَهَذَا قَوْلُ عَامَّةِ السَّلَفِ وَهُوَ الَّذِي نَصَّ عَلَيْهِ أَحْمَد وَغَيْرُهُ" (مجموع ج٧ص٣٥٠)

فرموده:ممکن است مسلمان باشد و در او کفر باشد، نه کفری که از دایره سلام به کلی خارج می کند همچنانکه صحابه گفته اند مثل ابن عباس و غیره :کفر دون

کفر(کفر کوچک و اصغر)و این قول همه سلف است که امام احمد و غیره بر آن نص و کلام دارند.

پس " من فعل الشرك فهو مشرك "یا " من وقع فی الشرک فهو مشرک"

کسی که سخن و کار شرک و کفر بواح و اکبر و ظاهری(نه خفی) مرتکب شود اسمش کافر و مشرک(معذب)است و نامش را با ارتکاب شرک و کفر می گیرد

و بر این اجماع سلف است هر چند حجه به او نرسیده باشد.(العذر بالجهل تحت المجهر الشرعي أبو يوسف مدحت المصري ص٤١-)

إسحاق بن عبد الرحمن بن حسن آل الشيخ: بل أهل الفترة الذين لم تبلغهم الرسالة والقرآن وماتوا على الجاهلية لا يسمون مسلمين بالإجماع، ولا يستغفر لهم، وإنما اختلف أهل العلم في تعذيبهم. عقيدة الموحدين والرد على الضلال المبتدعين ص ١٥١.

فرموده: اهل فتره کسانی که حجت به آنها نرسیده و بر جاهلیت مرده‌اند به اجماع، مسلمان نامیده نمی‌شوند و برایشان استغفار نمی‌شود بلکه اختلاف در تعذیبشان است.

الإمام الشنقيطي :" اعْلَمْ أَوَّلًا أَنَّ مَنْ لَمْ يَأْتِهِ نَذِيرٌ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَكَانَ كَافِرًا حَتَّى مَاتَ، اخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِيهِ، هَلْ هُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِكُفْرِهِ، أَوْ هُوَ مَعْذُورٌ لِأَنَّهُ لَمْ يَأْتِهِ نَذِيرٌ؟"

دفع إيهام الاضطراب عن آيات الكتاب ص۱۳۷-تحت" وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا"

امام شنقیطی فرموده:بدان اولا که اگر کسی در دنیا برایش نذیر و ترساننده نیامد و کافر بود تا وقتی که مرده، علما در موردش اختلاف دارند که آیا او از اهل آتش است بخاطر کفرش یا معذور است چون حجه برایش نیامده است.

و در اینجا علما اسم کافر را از او سلب نکرده‌اند هر چند حجه و نذیر برایش نیامده باشد.

شیخ اسلام در مجموع الفتاوی ج۲۰ص۳۷ فرموده:
وَقَدْ فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَ مَا قَبْلَ الرِّسَالَةِ وَمَا بَعْدَهَا فِي أَسْمَاءَ وَأَحْكَامٍ.... فَاسْمُ الْمُشْرِكِ ثَبَتَ قَبْلَ الرِّسَالَةِ؛ فَإِنَّهُ يُشْرِكُ بِرَبِّهِ وَيَعْدِلُ بِهِ وَيَجْعَلُ مَعَهُ آلِهَةً أُخْرَى وَيَجْعَلُ لَهُ أَنْدَادًا قَبْلَ الرَّسُولِ وَيُثْبِتُ أَنَّ هَذِهِ الْأَسْمَاءَ مُقَدَّمٌ عَلَيْهَا وَكَذَلِكَ اسْمُ الْجَهْلِ وَالْجَاهِلِيَّةِ يُقَالُ: جَاهِلِيَّةً وَجَاهِلًا قَبْلَ مَجِيءِ الرَّسُولِ وَأَمَّا التَّعْذِيبُ فَلَا."انتهی
الله بین قبل از اتمام حجه و بعد از تمام حجه در اسماء و احکام فرق گذاشته ... در ادامه بعد از ذکر آیات فرموده:اسم مشرک قبل از اتمام حجه ثابت است چون انها به پروردگار شریک گذاشته اند و اله دیگری هم برگزیده اند و قبل از رسول و اتمام حجه شریک الله کرده اند و ثابت می شود این اسم ها مقدم بر ان است و همچنین اسم جهل و جاهلیه گفته می شود جاهلیت و جاهل گفته می شود قبل از رسیدن رسول و حجه و اما تعذیب و عذاب نه.

مثل کسی که زنا می کند اسمش زانی و زنا کار است نه اینکه بعد اتمام حجه اسمش زناکار شود -مثاله-

شاید بعضی بگویند این تکفیر معذب و غیر معذب از کجا آمد از آیه قرآن که فرموده "وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (١٥)اسراء .فرموده عذاب داده نمی شوند تا رسول و حجه فرستاده نشود.

و از کلام شیخ اسلام ابن تیمیه ج٢ص٧٨ فرموده: "الْكُفْرُ الْمُعَذَّبُ عَلَيْهِ لَا يَكُونُ إلَّا بَعْدَ بُلُوغِ الرِّسَالَةِ" کفر معذب علیه بعد از اتمام حجه است.

و اتمام حجه،اقامه حجه، حُجَّة رسالية ،برای صادر کردن و اجرای حکم(قتلش) توسط قاضی بعد استتابه در مسائل استثنایی مثل مسائل خفی است.

"الشخص المعين، إذا قال ذلك لا يحكم بكفره، حتى تقوم عليه الحجة التي يكفر تاركها وهذا في المسائل الخفية"من كلام–الشيخ عبد الله، والشيخ إبراهيم ابنا الشيخ عبد اللطيف، والشيخ سليمان بن سحمان– در " الدرر السنية في الأجوبة النجدية " ج١٠ص٤٣٢

گفته‌اند: شخص معین اگر این اقوال کفری را گفت حکم کفرش–قتل– صادر نمی شود تا حجت کفرش بر او اقامه نشود و این در مسائل خفی است. که صاحب کتاب "تصحیح افکار" این قسمت را قیچی کرده است.

و وظیفه سلطه است که حکم قتلش را اجرا کند تا فتنه و هرج و مرج بوجود نیاید.

اینجاست که درست است بگویم "نحن دعاة ولا قضاة" داعی هستیم و قاضی نیستیم که حکم قتل او را صادر و اجرا کنیم و بکشیم چون کافر شده.

این فهم را در اینجا از فتاوی لجنه نمونه میاوریم تا نگوید فقط شماها این حرف‌ها را می‌زنید.

در فتاوی اللجنة الدائمة در شماره الفتوی رقم (٤٤٠٠) آمده:

البيان وإقامة الحجة للإعذار إليه قبل إنزال العقوبة به، لا ليسمى كافرا بعد البيان فإنه يسمى كافرا بما حدث منه من سجود لغير الله أو نذره قربة أو ذبحه شاة مثلا لغير الله،

بیان و اقامه حجت برای عذرهایش قبل از اجرای حکم است،بعد از بیان و روشن کردن کافر گفته نمیشه بلکه کافر نامیده شده بخاطر انچه از او روی داده از سجده برای غیر الله یا نذر یا ذبح برای غیر الله.

شیخ عبداللطیف
در منهاج التأسيس والتقديس ص ٣١٦ دار الهداية فرموده:
فعدم قيام الحجة لا يغير الأسماء الشرعية، بل يسمي ما سماه الشارع كفراً أو شركاً أو فسقاً باسمه الشرعي. ولا ينفيه عنه وإن لم يعاقب فاعله إذا لم تقم عليه الحجة، ولم تبلغه الدعوة،انتهى كلامه رحمه الله.
فرموده:عدم قیام حجه، نام های شرعی را تغییر نمی‌دهد بلکه با همان اسم نام برده می شوند که شرع نام برده که شرع کفر و شرک یا فسق نامیده.و از آنها نفی نمی‌شود اگر چه فاعلش عقاب داده نشود (و حکم کفرش بر او اجرا نشود) اگر قیام حجه بر او عرضه نشده و دعوت به او نرسیده است.

و در إنجاح حاجة السائل في أهم المسائل أبو خالد أحمد بن حمود بن مفرج الخالدي ص٢٣:

"من فعل الشرك يُسمى مشركاً لأنه حدث منه ذلك ...ففرق بين الكفر الغير معذب عليه الذي يكون قبل قيام الحجة والكفر المعذب عليه بعدها وهذا أصلٌ عظيم يجب التفطن له والأعتناء به".

هر کسی شرک انجام دهد مشرک نامیده می شود چون او آن را انجام داده ...فرق هست بین کفر غیر معذب علیه(در موارد استثناءیی) که قبل از قیام حجه است و کفر معذب علیه که بعد قیام حجه است و این اصل بزرگی است که به آن توجه و اعتنا شود.

ودر العذر بالجهل أسماء واحكام للشيخ أبوسلمان عبدالله بن محمد الغليفى ص١٣٣:

شيخ الإسلام محمد بن عبد الوهاب له رسائل ونصوص كثيرة لاتحصى تدل على أنه لايعذر بالجهل فى التوحيد وأن من فعل الشرك يسمى مشركا ومن المشركين , وأحيانا يسميه كافرا إذا قامت عليه الحجة ,أما إذا لم تقم عليه الحجة فيسميه مشركا لأنه يقصد بالكفر القتل أحيانا."

شیخ اسلام محمد بن عبدالوهاب رسائل و نصوص بسیاری دارد که به شمارش نمیایند که ایشان جهل در توحید را عذر نمی‌داند و اگر کسی کسی شرکی انجام داد مشرک و از مشرکان نامیده و گاهی اوقات کافر نامیده اگر حجه بر او اقامه شود و

اما اگر حجه بر او اقامه نشده باشد مشرک نامیده چون قصدش بعضی وقت ها از کفر قتلش بوده است.

[من يرتكب شيئا من المكفرات]

وسئل أيضا: عمن يرتكب شيئا من المكفرات ... إلخ؟

فأجاب الشيخ أبا بطين: ما سألت عنه، من أنه هل يجوز تعيين إنسان بعينه بالكفر، إذا ارتكب شيئا من المكفرات، فالأمر الذي دل عليه الكتاب والسنة وإجماع العلماء على أنه كفر، مثل الشرك بعبادة غير الله سبحانه، فمن ارتكب شيئا من هذا النوع أو حنسه، فهذا لا شك في كفره.

الدرر السنية في الأجوبة النجدية ج١٠ص٤١٦ عدد الأجزاء: ١٦–

کسی که چیزی از مکفرات(اعمال و اقوال کفری) مرتکب شود

همچنین سوال شده:در مورد کسی که چیزی از مکفرات(اعمال و اقوال کفری) مرتکب شود...؟

شیخ ابا بطین جواب داد انچه در مورد ان سوال کردی در مورد کسی که آیا جایز است انسان به تعیین کافر کرد، اگر مرتکب چیزی از مکفرات شود ،چیزی که کتاب و سنت و اجماع علما بر کفر ان دلالت دارد مثل شرک،عبادت غیر الله ،پس هر کسی چیزی از این نوع مرتکب شود یا خوب بداند هیچ شکی در کفرش نیست.

وأعظم أنواع الكفر: الشرك بعبادة غير الله، وهو كفر بإجماع المسلمين، ولا مانع من تكفير من اتصف بذلك، كما أن من زنى قيل: فلان زان، ومن رابى: قيل: فلان مراب.

و بزرگترین انواع کفر شرک در عبادت است یعنی عبادت غیر الله و این به اجماع مسلمانان کفر است و مانعی ندارد در تکفیر کسی که آنرا انجام می دهد همچنانکه کسی اگر زنا انجام دهد اسمش زانی است یا اگر ربا خورد اسمش رباخوار(مراب) است.

و در جای دیگری فرموده:

[من فعل الشرك فهو مشرك]

وسئل أيضا: عبد الله بن عبد الرحمن أبا بطين، عن قول الصنعاني: إنه لا ينفع قول من فعل الشرك: أنا لا أشرك بالله ... إلخ؟

فأجاب، يعني: أنه إذا فعل الشرك فهو مشرك، وإن سماه بغير اسمه، ونفاه عن نفسه.

الدرر السنية في الأجوبة النجدية ج١٠ ص٤١٩ عدد الأجزاء: ١٦-

هر کسی شرک انجام دهد مشرک است

و همچنین سوال شده از شیخ ابا بطین در مورد قول صنعانی: که قول کسی که شرکی انجام دهد و بگوید من برای الله شریک قرار نمی دهم ..؟

فرمود:او اگر شرکی انجام داد مشرک است،و اگر چه نام دیگری بر آن بنهد، و یا آن را از خود نفی کند.

یک نکته خیلی مهم است در کلام شیخ اسلام که خیلی جاها فرموده تکفیر و کافر نمی کنیم چون در مسائل خفی است و منظورش این است که کافر معذب نمی شود و حکمش –قتل– صادر نمی شود تا اتمام حجه.

چون علما در کل، وقتی کافر را تنها بکار برده اند منظورشان کافر معذب است.

برای مطالعه و توضیحات بیشتر به کتاب " عارض الجهل" أبو العُلا راشد و"مسائل فی فقه النوازل" شیخ ابو علی الانباری در مساله ۷ ص ۳۰مراجعه کنید.

و بدانیم اختلافی که بین علمای دوله پیش آمده در تکفیر مطلق عاذر و تسلسل است یعنی نواقض سوم که اخیر محرم ۱۴۳۹مکتب بحوث و دراسات در این مورد کتابی نوشته‌اند به نام" الباعث علی اتمام الناقض الثالث" نه این مورد بحث ما چون این مورد اتفاق است.

ابو عبدالرحمن سردشتی شعبان ۱٤۳۹